زن زندگی بخش و آزادی بخش



پژوهشگر دینی
دکتر سیده جمیله هاشم‌نیا

گاه یک معلم اثری هنری با موضوعی خاص از دانش‌آموزانش می‌خواهد و دانش‌آموزی اثری فاخر و تحسین‌شدنی ارائه می‌دهد که معلم آن را به‌عنوان نمونه و الگوی برتر به دیگران معرفی می‌کند و حتی در سال‌های بعد به دانش‌آموزان دیگرش عرضه می‌کند. به بیان دیگر آن اثر تبدیل به یک سمبل، نماد و یا معیاری می‌شود تا نسل‌های آینده نیز از آن بهره بگیرند و تمام تلاش خود را برای خلق چنین اثری به کار بگیرند. اینک گویا در عالم خلقت و آفرینش الهی نیز اندکی شبیه به چنین حکایتی رخ داده است! بانویی ارجمند و بی‌بدیل خود را به جامه پاک، زلال، منور و تابعیت محض الهی آراسته که ثمره آن برای عالم کائنات به طور عام، برکتی جاویدان و برای عالم بشریت، به طور خاص، منشأ رحمتی بیکران است؛ چنان نماد و الگویی که می‌تواند تا قیامت سبب فخر زنان عالم شود، چرا که پیامبر(ص) درباره ایشان فرمودند: «دخترم فاطمه، سَرور زنان جهان هستی از گذشتگان و آیندگان است.» (تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۳۸) پس فخر زنان به او حق است به شرط آنکه به روش و منش بی‌نقصش تأسی کنند و پیروش باشند؛ چرا که او مظهر زن زندگی‌بخش و آزاداندیشی است که با تفکر الهی‌اش از قید و بند شهوت‌پرستی و آزادی‌های غیرعقلانی و بدون مرز این دنیا رهایی یافته و با تحمل امیدبخش رنج‌های زودگذرش، ابدیت خود و رهروانش را تا بیکرانه‌ها، روشنایی و نیک‌بختی بخشیده است و رضایت خالق، معشوق و محبوب حقیقی‌اش، الله سبحانه و تعالی را جلب کرده است.

او که برای پدرش بهترین دختر، برای شوهرش بهترین همسر، برای فرزندانش بهترین مادر، برای جامعه‌اش بهترین یاور و نزد پروردگارش برترین بندگان بود؛ ای کاش مردمان بی‌مهر زمانه‌اش قدردانش بودند و ناسپاسی‌اش نمی‌کردند تا چنین گلی خوشبو که جهانی را از عِطر بی‌مثالش معطر می‌کرد آن‌گونه نابخردانه پژمرده و جوان‌مرگ نمی‌شد! مگر گناهش چه بود؟! آیا جز این بود که آن بانو به خواست پروردگار و سفارش رسول مکرّمش(ص) جامه عمل پوشاند و خالصانه حامی امامت و ولایتِ برترین خلایق پس از نبیّ مکرم اسلام(ص) شد تا شجره طیبه اسلام را به احسن‌الوجهی آبیاری کند و بندگان خدا را از زیر یوغ بی‌عدالتی و شکنجه تحیّر و تاریکی جهل خارج کند و اسباب سعادت و عافیت دنیا و آخرتشان را فراهم کند؟! پس چرا چنین بی‌رحمانه تاختند بر گلی که غنچه‌ای بسته هم ضمیمه‌اش شده بود تا ظالمانه پرپرشان کنند؟! واضح است؛ چراکه لازمه هر غصبی، ستمی است حتی اگر به بهای آتش‌زدن گلستان باغبانی باشد که اسوه مهربانی و رأفت بود و جان‌نثار امتش برای رساندن ایشان به سرمنزل سعادت! و حتی اگر به بهای ویران کردن بنای انسانیت باشد و سرچشمه حقانیت! مگر پیامبر مهربانی(ص) درباره فاطمه(س) نفرمودند: «همانا فاطمه پاره تن من و روشنایی چشمانم و میوه قلب من است، آنچه او را بیازارد، مرا آزار می‌دهد و آنچه او را خوشحال کند، مرا خوشحال می‌کند.» (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۴) سپاس آن خالق بی‌همتایی را که دست قدرت و عدالتش سرانجام گریبان هر ظالمی را خواهد گرفت و با ظهور منجی عالم بشریت، انتقام هر ظلمی از جمله ظلم به محضر نورانی مادر پاک‌دامنش زهرای اطهر(س) را خواهد ستاند. اللهم عجل لولیک الفرج و العافیه و النصر و اجعلنا من خیر أعوانه و انصاره و المستشهدین بین یدیه!

به کوتاهی آه، به بلندای ماه

«به کوتاهی آه، به بلندای ماه» کتابی درباره زندگی حضرت زهرا(س) است که توسط سیدعلی موسوی گرمارودی نوشته شده و انتشارات قدیانی آن را منتشر کرده و در اختیار علاقه‌مندان و پژوهشگران قرار داده است.

این اثر مذهبی-تحقیقی است و علاوه بر متن اصلی، مباحثی تاریخی در ابتدای کتاب آمده است و چند «پی‌نگاشت» با قلمی پژوهشی و ۹ داستان‌واره در توضیح کامل‌تر مطالب در پایان کتاب موجود است.

از جمله نکات درخورتوجه درباره این اثر، استفاده مؤلف از منابع و مآخذ تاریخی متعدد و متنوع است. همین منابع متعدد باعث اعتبار این کتاب نسبت به دیگر کتاب‌های منتشرشده از زندگی این بانوی گران‌قدر برای محققان و علاقه‌مندان است.

سیدعلی موسوی گرمارودی می‌گوید: «امروزه در محیط جهانی اینترنت‌ها، پیام‌ها و پیامدهای بی‌ایمانی؛ اگر برخی جوانان که غیب را کم‌رنگ‌تر می‌بینند، با جنبه‌هایی از زندگی متعارف بزرگان دین آشنا شوند و سیره ائمه(ع) را مطالعه کنند، راه برای باورهای خارق‌العاده این مخاطبان جوان نیز باز می‌شود.»

او با اشاره به جایگاه بانوی اسلام(س) تأکید می‌کند: «بزرگ‌ترین کرامت حضرت فاطمه(س)، تربیت فرزندانی باشکوه و سترگ است. ازهمین‌رو در کتاب حاضر به ذکر کرامات و خرق عادات زندگی حضرت فاطمه(س) نیازی ندیده‌ام، چرا که وجود حضرت زهرا(س) خود برترین کرامات است.» در پایان کتاب «به کوتاهی آه، به بلندای ماه» به شعرهای فاطمی فارسی نیز اشاره شده است و اشعار شاعرانی نظیر «ناصرخسرو قبادیانی»، «سنایی»، «قوامی‌رازی»، «اثیراخسیکتی»، «خواجوی کرمانی»، «ابن‌یمین»، «محمدبن حسام خوسفی» و از شاعران معاصری همانند «خسرو احتشامی هونه‌گانی»، «افشین علاء»، «علیرضا قزوه»، «محمدکاظم کاظمی»، «عبدالجبار کاکایی»، «محمدجوادغفورزاده‌شفق»، «سعید بیابانکی» و «بهمن صالحی» که در مدح این بانوی بزرگوار شعر سروده‌اند، آثاری آورده شده است.



حکم نگهداری سگ در خانه چیست؟

در این ستون به پرسش‌های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید با ارسال پیامک پرسش‌های خود به شماره ۳۰۰۰۷۲۸۹ با ما در ارتباط باشید.

آیت‌ا... العظمی خامنه‌ای:
نگهداری سگ غیر از سگ گله و شکاری و نگهبان، مذموم است و اگر این کار تشبه به غیرمسلمانان باشد و باعث ترویج فرهنگ آنان شود یا باعث آزار و اذیّت همسایه‌ها شود، حرام است.

آیت‌ا... العظمی مکارم شیرازی:
نگهداری سگ برای سرگرمی و هم‌زیستی اشکال دارد و این کارها شایسته مسلمانان باشخصیت نیست و از نظر شرعی مشکلات زیادی ایجاد می‌کند.

آیت‌ا... العظمی سیستانی:
نگهداری از سگ برای نگهبانی و به شرط رعایت نجس و پاکی اشکالی ندارد. نمازخواندن در خانه‌ای که سگ در آن نگهداری می‌شود، مکروه است.

فتنه و معبر نجات از آن در فرهنگ اسلامی

همه آنچه درباره فتنه و راه های مقابله با آن باید بدانیم

آمنه مستقیمی| شاید وقتی تعبیر فتنه به میان می‌آید برخی از ما فکر کنیم این تعبیر، تولد و کاربردی این‌زمانی دارد، نه سابقه‌ای به بلندای تاریخ؛ در حالی که مروری کوتاه بر آموزه‌های دینی و تاریخ مشخص می‌کند بشر از بدو خلقت در معرکه فتنه‌های مختلف آزموده و آبدیده شده است تا محک عبد و انسان‌بودنش مشخص شود. چنان‌که قرآن در اشاره به یک معنا از فتنه می‌فرماید: «أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لا يُفْتَنُونَ» یعنی «آیا مردم پنداشتند همین که گفتند ایمان آوردیم، رهایشان می‌کنیم و امتحان نمی‌شوند؟» ازاین‌رو مروری داریم بر مفهوم‌شناسی این واژه و راه‌های مقابله با آن در فرهنگ دینی.



در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی

رهبر معظم انقلاب: امیرالمؤمنین(ع) زندگی مردم در محیط ظهور اسلام را محیط فتنه توصیف کرده است. فتنه یعنی آن فضای غبارآلودی که چشم‌های انسان قادر به دیدن در آن فضای غبارآلود نیست. راه را نمی‌بیند و صلاح را تشخیص نمی‌دهد. (بیانات مظم له در دیدار مسئولان نظام و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۲/۱۰/۲۹)

و اتّقوا فتنة لاتصيبنّ الّذين ظلموا منكم خاصّه...» قرآن می‌گوید که از چنین فتنه‌ای پرهیز کنید که وقتی آمد، فقط دامن آن کسی را که موجب فتنه است، دامن آن کسی را که ظالم است، نمی‌گیرد؛ دامن بی‌گناه‌ها را هم می‌گیرد، دامن کسانی را هم که در ایجاد این فتنه تأثیر نداشته‌اند، می‌گیرد. (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نمایندگان مجلس نهم ۱۳۹۱/۳/۲۴)



فتنه در قرآن

در آیه ۱۹۱ سوره بقره می‌خوانیم: «وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» یعنی فتنه از کشتار هم بدتر است.

فتنه به‌معنای عام آن شامل همه موارد امتحان می‌شود، چه امتحانات فردی، چه امتحانات گروهی و اجتماعی، یعنی همان معنای لغوی فتنه که تقریباً مساوی امتحان است.

واژه «فتنه» در ۳۰ آیه قرآن آمده است. بررسی این آیات نشان می‌دهد که فتنه در قرآن پنج معنای مختلف دارد:

شکنجه‌دادن | **آزمایش و امتحان** | **عذاب الهی** | **مصیبت** | **فساد کبیر**

وضع زندگی ما به‌گونه‌ای است که خواسته‌های متضادی داریم و سر دوراهی‌ها و چندراهی‌ها واقع می‌شویم؛ گاهی تردید می‌کنیم که این‌طرف را انتخاب کنیم یا آن طرف را. زندگی ما بدون امتحان سپری نمی‌شود. خداوند می‌فرمایند: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلا؛ (مُلک، ٦٧) یعنی ما مرگ و زندگی را آفریدیم، تا شما را امتحان کنیم.

آبشخور فتنه‌ها

حضرت علی(ع) در نهج‌البلاغه، ریشه بروز فتنه‌ها را چنین ترسیم می‌کنند: سرآغاز پیدایش فتنه‌ها، هواهای نفس است که پیروی می‌شوند و احکام بدعت‌آمیزی‌اند که در دین پدید می‌آیند؛ بدعت‌هایی که مخالف کتاب خدا هستند، ولی عده‌ای بر سر آن‌ها بدون انگیزه دینی و خدایی با یکدیگر هم‌بستگی پیدا می‌کنند و در مقابل دیگران جبهه می‌گیرند.

امام صادق(ع) می‌فرمایند: خدای عزّوجل فرمود که آگاه باش، آغاز هر فتنه، دوستی دنیاست. (کافی، ج ۲، ص ۱۳۵)

این مسئله در تاریخ بسیار تکرار شده است. نمونه آشکار آن فتنه «جمل» است؛ زمانی که در اثر سیاست‌های غلط خلفا، به‌ویژه عثمان، برخی اصحاب صاحب‌مال و کاخ و کنیز فراوان شدند و به این تفاوتِ در بیت‌المال و تفاخر، عادت کردند؛ چون امام‌علی(ع) را در برابر خواسته‌هایشان محکم و قاطع یافتند، پیمان شکستند و تمامی سوابق مبارزاتی خود در راه اسلام را به‌پای منافع مادی قربانی کردند.

رویارویی با فتنه‌ها

ای مردم، مهار این شتران فتنه را که پشت آن‌ها حمل کننده وزر و وبال است از دست بیندازید و از گرداگرد امام خود پراکنده نشوید که عاقبت، خود را سرزنش خواهید کرد و بی‌باکانه در آتش فتنه‌ای که پیشاپیش آن قرار گرفته‌اید نروید. از راه آن به یک‌سو شوید و جاده را برای آن بازگذارید که به جان خودم قسم، مؤمن در شعله آتش آن فتنه هلاک می‌شود و غیرمسلمان سالم می‌ماند! (خطبه ۱۸۷ نهج‌البلاغه)

هوشیاری در برابر فرصت‌طلبان یکی از راه‌های مبارزه و مقابله با فتنه‌های اجتماعی است. امام علی(ع) در جمله‌ای حکیمانه به همگان سفارش می‌کنند که در فتنه‌های اجتماعی، هوشیاری خود را حفظ کنند و مواظب باشند تا گرفتار نشوند: «در فتنه‌ها همچون شتر دوساله باش؛ نه پشتی دارد تا سوارش شوند و نه پستانی تا شیرش را بدوشند.» (بحارالانوار، ج ٦٦، ص ۴۰۸)

فتنه‌های آخرالزمان

امام جعفرصادق(ع) می‌فرمایند: حضرت قائم(عج) در پیکار خود با چنان چیزی روبه‌رو خواهند شد که رسول خدا(ص) با آن روبه‌رو نشدند! همانا رسول خدا(ص) درحالی به‌سوی مردم آمدند که آنان بت‌های سنگی و چوب‌های تراشیده را پرستش می‌کردند؛ ولی قائم(عج) چنان است که علیه او خروج می‌کنند و کتاب خدا را علیه او تأویل می‌کنند و به استناد همان تأویل با او به جنگ برمی‌خیزند.» (الغیبه نعمانی، ص ۴۴۷)

رسول خدا(ص) در پایان خطبه خود در حجه‌الوداع در کنار کعبه، پس از بیان نشانه‌های مردم آخرالزمان و فتنه‌هایی که در آن‌زمان رخ می‌دهد، راه نجات و سلامت دین مردم را در پیروی از قرآن و اهل‌بیت(ع) خود بیان کردند و فرمودند: همانا من دو چیز بزرگ را در بین شما باقی می‌گذارم؛ کتاب خدا و عترت و اهل‌بیت(ع) خود را. اگر شما به این دو چیز تمسک جویید و از آن‌ها پیروی کنید، هرگز گمراه نخواهید شد.»

عوامل بصیرت

یاد خدا

ذکر خدا، چه به‌طور قلبی و چه قالبی و زبانی، آثار و خیرات و برکاتی دارد. امام علی(ع) می‌فرمایند: همانا خدای سبحان و بزرگ، یاد خود را روشنی‌بخش دل‌ها قرار داد تا گوش پس از ناشنوایی بشنود و چشم پس از کوری بنگرد و انسان پس از دشمنی رام شود. (نهج‌البلاغه، محمد دشتی، خطبه ۲۲۲)

خودسازی

انسان باید در پاک‌سازی خود از آلودگی‌ها بکوشد، زیرا صفات ناپسند می‌توانند در ما ریشه کنند. امیرمؤمنان(ع) پس از شمارش برخی صفات اهل حق و مؤمن، می‌فرمایند: (مؤمن بصیر) راه هدایت را با بصیرت دریافته و در آن گام نهاده و نشانه‌ها را به‌خوبی شناخته و از امواج متلاطم شهوات گذشته است. از میان دستگیره‌های هدایت به مطمئن‌ترین آن‌ها چنگ زده و از رشته‌های (نجات) به محکم‌ترین آن‌ها متمسّک شده است. (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۷، صفحه ۱۴۶)

تلاوت قرآن

خواندن آیات قرآن به‌ویژه همراه با تفکر در معنا و مفهوم آنان، در دل و روان انسان تأثیر می‌گذارد و آیینه قلب را برای انعکاس حقایق و جوشش معارف، شفاف می‌کند. امیرمؤمنان(ع) می‌فرمایند: «این کتاب خداست که با آن بینش می‌یابید، گویا و شنوا می‌شوید کتابی که هر پاره‌اش، دیگر پاره را بیانگر و هر بخش، دیگر بخش را گواه است. در شناخت خدا، به چندگانگی نگراییده است که همراه خود را از خدا منحرف کند.» (همان، خطبه ۱۳۳)

نفی وابستگی‌های مادّی

پرنده هرچند قوی باشد، اگر به‌پایش وزنه سنگینی بیاویزیم، او را در پرواز محدود می‌کند؛ علاقه به دنیا برای انسان نیز چنین است. ولی قطع علاقه‌ها و وابستگی‌ها، او را در نگرش و گرایش آزاد می‌کند و به دید و نگاه او توسعه می‌بخشد و این سخن امام علی(ع) که می‌فرمایند: و همانا دنیا نهایت دیدگاه کوردلان است که آن‌سوی دنیا را نمی‌نگرند، اما انسان آگاه، نگاهش از دنیا عبور کرده از پس آن سرای جاویدان آخرت را می‌بیند. (همان)



بازدارنده از بصیر و بیناشدن

آرزوهای بلند

یکی از آفات روحی و معنوی آمال و آرزوهای طولانی، خشک‌شدن چشمه سارهای بصیرت است. ازاین‌رو امیرمؤمنان(ع) می‌فرمایند: آرزوها، چشم بصیرت را کور می‌کنند. (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۷۵) و یا در جایی دیگر از آن به خدا پناه می‌برند و می‌فرمایند: نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ الْعَقْلِ وَ قُبْحِ الزَّلَلِ (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۲۴، محمد دشتی) از خواب‌آلودگی عقل و زشتی لغزش‌ها به خدا پناه می‌برم.

وابستگی‌ها و عشق‌های کاذب

حضرت علی(ع) می‌فرمایند: هرآن کس که به چیزی عشق ورزد، آن عشق چشم او را کور و قلبش را بیمار می‌کند، چنین فردی با چشم ناسالم می‌نگرد و با گوش ناشنوا می‌شنود؛ زیرا که بی‌گمان، شهوت‌ها پرده خردش را دریده‌اند و دنیا قلبش را می‌رانده است و او را با تمام وجود شیفته خود ساخته است. چنین است که او برده دنیا و دنیاداران می‌شود و به هر جا روی می‌آورد. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۹)

«سُبات» در اصل به معنای قطع است و چون آدمی با به‌خواب‌رفتن از این عالم و از انجام هر نوع اعمال خیر، قطع ارتباط می‌کند به همین مناسبت از خواب به «سُبات» تعبیر می‌شود و کسی که بصیرت و بینش درونی خود را از دست می‌دهد، گویا عقل او به‌خواب‌رفته و دیده‌های درون‌بین او بسته شده است. (التحقیق فی کلمات القرآن، حسن مصطفوی، ج ۵، ص ۱۷، چاپ سوم دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۳۰)

فتنه‌های اجتماعی

گاهی مسائل مهم سیاسی و اجتماعی در قالب فتنه‌ها و شبهه‌های بسیار پیچیده و به‌صورت تندباد جریان می‌یابند. نهج‌البلاغه این موقعیت خطیر را این‌گونه ترسیم می‌کند: فتنه‌ها آن‌گاه که روی آورند با حق شباهت دارند و چون پشت کنند، حقیقت چنانچه هست، نشان داده می‌شود. فتنه‌ها چون می‌آیند شناخته نمی‌شوند و چون می‌گذرند شناخته می‌شوند. (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۳)

نشانه‌های افراد بصیر و بینا

نگاه عبرت‌آموز
بینا کسی است که از پی شنیدن بیندیشد و با هر نگاه، بینش نو یابد و از عبرت‌ها همواره سود برد و سپس در راهی روشن و هموار به پیش رود و خویشتن خویش را از سقوط در پرتگاه‌ها و گمراهی در کژراهه‌ها و بیغوله‌ها نگاه دارد. (همان، خطبه ۱۵۳)

تغییر موضع
افراد بصیر هرچند ممکن است در شرایط خاصی در انواع شبهات بیفتند و در مسیر فتنه‌ها قرار گیرند، ولی به‌محض بازشناسی و تمیز حق از باطل، مسیر خود را تغییر داده و در حمایت از حق، موضع می‌گیرند. حضرت امیرالمؤمنین(ع) خطاب به معاویه می‌نویسند: گروهی از مردم را با فریب‌ها و شیطنت‌های خود به هلاکت کشاندی و در موج جهالت غرقشان کردی، در حدی که تاریکی‌های جهالت و غرور آن‌ها را فراگرفت از راه حق به بیراهه رفتند، مگر اندکی از آگاهان که مسیر خود را تغییر دادند و پس از آنکه تو را شناختند از تو جدا شدند و از یاری کردن تو به‌سوی خدا گریختند، زیرا تو آنان را به‌کار دشواری واداشتی و از راه راست منحرفشان کردی. (همان، نامه ۳۲، ص ۵۳۸)

حرکت سنجیده
انسان بصیر، هدفمند حرکت می‌کند و بدون ارزیابی دقیق و دوراندیشانه، وارد میدان عمل نمی‌شود. امیرالمؤمنین(ع) دراین‌باره می‌فرمایند: (شخص بابصیرت) پس از آنکه با چشم دل ببیند، سرآغاز کارش دانستن این نکته است که آیا کاری که انجام می‌دهد به سود اوست یا زیانش؟ اگر به سود اوست پیش می‌رود و اگر به زیانش باشد، در همان آغاز بازمی‌ایستد.

مشاوره
تبادل افکار، سبب بروری اندیشه‌ها می‌شود و از این راه می‌توان به حقایق تازه‌ای دست یافت و به خطاهای فکری پی بُرد؛ چنانچه حضرت علی(ع) می‌فرمایند: هرآنکه از آرای گوناگون استقبال کند، مواضع خطا را بازشناسد. (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۷۳) و نیز می‌فرمایند: مشورت چشم هدایت است آنکه با رأی خود، احساس بی‌نیازی کند به‌کام خطر درافتد. (همان، حکمت ۲۱۱)